

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور / کلبهٔ احزان، شود روزی گلستان، غم مخور
معنی: اندوهگین و ناراحت نباش که دلداری گم-شده (یوسف) دوباره به وطن (سرزمین
کنعان) باز می گردد و خانه-ی غم و ناراحتی به گلستان شادمانی تبدیل می-شود.
آرایه ها: تلمیح: به داستان حضرت یوسف علیه السلام / مراعات نظیر: یوسف، کنعان و
کلبه احزان / تکرار: غم مخور / تضاد: کلبه احزان و گلستان
ای دل غم دیده، حالت به شود، دل بد مکن / وین سر شوریده، باز آید به سامان، غم
مخور

معنی: ای دل اندوهگین نگران نباش، حال و روزت خوب می شود و افکار پریشان و
آشفته ات به سامان می شود، غمگین نباش.
آرایه ها: کنایه: دل بد مکن کنایه از نگران نباش / تضاد: شوریده و سامان / سر: مجاز از
وجود، فکر / تشخیص: ای دل غمدیده
دور گردون، گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دائماً یکسان نباشد حال دوران، غم مخور
معنی: اگر گردش روزگار چند روزی (مدت کوتاهی) مطابق میل ما نبود، غصه نخور؛ چون
وضع روزگار همیشه یکسان نمی ماند.
آرایه ها: واج آرایی در «د» و «ر» و تکرار واژه -ی «دور».

هان مشو نومید! چون واقف نه ای از سرّ غیب / باشد اندر پرده، بازی های پنهان، غم
مخور

معنی: آگاه باش و نا امید نشو، زیرا از رازهای پنهان خداوند (لطف نهانی خدا) باخبر
نیستی و یقین بدار که در پشت پرده دور از چشم من و تو بازی هایی می گذرد که بر ما
آشکار نیست.

آرایه ها: تلمیح: اشاره به آیه ۵۹ سوره انعام: و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو
ای دل از سیل فنا بنیاد هستی بر کند / چون تو را نوح است کشتیمان، ز توفان، غم
مخور

معنی: ای دل من، اگر سیل نابودی، پایه -های وجود را با خود ببرد؛ تا زمانی که نوح
کشتیان توست، غم به خود راه نده و غمگین نباش.

آرایه ها: تلمیح: به داستان حضرت نوح علیه السلام / مراعات نظیر: نوح، کشتی، سیل و طوفان / اضافه تشبیهی: سیل فنا / واج آرای: تکرار واج ت / تشخیص: ای دل / کنایه: بنیاد هستی برکند کنایه از نابود کردن

در بیابان گر به شوق کعبه، خواهی زد قدم / سرزنش ها گر گند خار مُغیلان، غم مخور
معنی: اگر در بیابان به شوق و علاقه رسیدن به کعبه (معشوق) قدم بر می داری اگر خار مغیلان و دشواری های این راه تو را آزار می دهد، غمگین نباش.

آرایه ها: مراعات نظیر: بیابان، کعبه، مغیلان / تشخیص: سرزنش خار مغیلان / کنایه: قدم زدن کنایه از راه رفتن

گرچه منزل، بس خطرناک است و مقصد، بس بعید / هیچ راهی نیست، کان را نیست
پایان، غم مخور

معنی: اگر چه راه ها خطرناک و مقصد بسیار دور است، بدان در دنیا راهی نیست که پایانی نداشته باشد؛ پس غمگین نباش، همه راه ها روزی به پایان می رسد.

آرایه ها: تضاد: منزل و مقصد / تکرار: بس و نیست

حافظا! در کنج فقر و خلوت شب های تار / تا بودِ وردت دعا و درسِ قرآن، غم مخور
معنی: ای حافظ تا وقتی که در گوشه ی درویشی و تنهایی شب های تاریک، دعا و قرآن می خوانی، نگران و غمگین نباش.

آرایه ها: مراعات نظیر: خلوت، ورد، شب، دعا و قرآن / واج آرای (د) / جناس ناقص: تار و تا – در و درس

معنی واژه های مهم درس هفتم فارسی نهم

احزان: جمع حزن، اندوه ها، غم ها

بعید: دور

به: بهتر، خوب، پسندیده

سر غیب: راز پنهانی

شب های تار: شب های تاریک

شوریده: آشفته، پریشان حال

شوق: رغبت، آرزومندی

طعن: سرزنش، عیب کسی را گفتن

مراد: مقصود، هدف، خواسته

مغیلان: گیاه خاردار که میوه ای شبیه باقلا دارد، این کلمه در اصل ام غیلان بوده است به معنی مادر غولان و دیوها چون در قدیم فکر می کردند که غول ها و دیوهای بیابانی زیر بوته ها پنهان می شوند و مسافران و اهل کاروان را گمراه می کنند.

منزل: محل اقامت کاروانیان

نه ای: نیستی

واقف: آگاه، باخبر

ورد: ذکر و دعای زیر لب، دعایی که آهسته بر لب جاری شود

فنا: نابودی

کنج: گوشه

گردون: آسمان، فلک

لعن: نفرین کردن، دشنام دادن

هان: کلمه ای که هنگام آگاه ساختن یا تاکید و هشدار به کار می رود، آگاه باش

هجو: سرزنش کردن به وسیله شعر، نکوهش

ار: مخفف اگر

کنعان: فلسطین امروزی

باز آید: باز می گردد

دل غم دیده: دل خود حافظ است که دچار غم و محنت فراوانی است

دل بد کردن: بد دل شدن، نا امیدن شدن

وین: مخفف و این

سامان: در اینجا به معنی آرام، قرار، آراستگی، نظم

دور گردون: گردش روزگار

غیب: عالم ملکوت، عالم بالا

سر: رمز، راز

اندر: حرف اضافه (در)

اندر پرده: پشت پرده

بازی های پنهان: پیش آمد های آینده، تقدیر

بنیاد: اساس، پایه

خواهی زد قدم: قدم خواهی زد

سرزنش: ملامت، طعنه

بس: بسیار

منزل: محل اتراق کاروان، جای فرود آمدن

کان: مخفف که آن

تار: تاریک

فقر: تنگ دستی

رهنمود: پیشنهاد

تاریخ ادبیات درس هفتم فارسی نهم

شمس الدین محمد ملقب به خواجه حافظ شیرازی و مشهور به لسان الغیب از مشهورترین شعرای تاریخ ایران است که در قرن هشتم می زیست. در خصوص زندگی حافظ به ویژه زمان تولد او اطلاعات دقیق در دست نیست. وی از جمله شاعرانی است که در ایام حیات خود شهرت یافت.

حافظ علاوه بر اندوخته های علمی و ادبی خود، قرآن را به چهارده روایت از حفظ داشت و با صدای خوش می خواند. از این رو تخلص حافظ را برای خویش برگزید. حافظ در سال ۷۹۱ هجری شمسی در سن ۶۹ سالگی در شیراز درگذشت. جسم او را در باغ مصلی، در کنار نهر رکن آباد شیراز به خاک سپردند، محلی که امروز به نام حافظیه خوانده می شود.